



معرفی مجله خارجی

مجله المنطلق:

مرحله تازه مناسبات فکری متفکران ایران و لبنان

محمد نوری

تحریری حسین الحکیم و بعد حسن جابر در حقیقت تابلوی تمام‌نمای پیوند معنوی و همبستگی فکری شیعیان ایران و لبنان است. نویسندگان ایرانی مانند جعفر سبحانی و مرتضی مطهری در اولین شماره‌ها و مصطفی ملکیان در آخرین شماره‌ها در کنار نویسندگان لبنانی مانند محمد مهدی شمس‌الدین، سید محمد حسین فضل‌الله، حسن جابر، محمد مهدی آصفی و سید محمد باقر صدر، مقاله‌ها و آثاری ارائه کرده‌اند.

باور به جنبش و بیدارگرایی اسلامی،^۱ کارآمدی اسلام در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، اعتقاد به ایده‌هایی چون جهادگرایی، نبرد با کفار و بسط حاکمیت اسلامی در همهٔ زمین، گسترش انقلاب اسلامی،^۲ طرد حکومت موجود در کشورهای اسلامی، مخالفت با ظلم، طرد مرزبندی‌های جغرافیایی، گرایش به انترناسیونالیسم^۳ و بالاخره احیای دین از مهم‌ترین ویژگی‌های فکری بانیان و اداره‌کنندگان این مجله است.

این مجله در طبقه‌بندی مطبوعات، مجله‌ای عمومی و سطحی (به اصطلاح زرد) نیست؛ بلکه دارای بحث‌های جدی و تحلیل‌های علمی و متقن است. از جریان‌های سیاسی اجتناب دارد و به مقوله‌های فرهنگی اهمیت می‌دهد. بالندگی و مقبولیت آن در جوامع علمی نیز به دلیل آزادمنشی فرهنگی، و عدم تعلق به نهادها یا تفکرات سیاسی بوده است. هر چند اداره‌کنندگان در چهارچوب روشنفکری دینی و متکی به آموزه‌های شیعی و از انقلاب اسلامی ایران متأثر بوده‌اند، دیدگاه‌های دیگر را نیز در نظر داشته‌اند.

آرای دو شخصیت، مرحوم مرتضی مطهری و مرحوم سید محمد باقر صدر در این مجله پرچاذه است و سید محمد حسین فضل‌الله تقریباً در اکثر شماره‌های این مجله مقاله یا مصاحبه دارد. به علاوه کسانی همچون محمد مهدی آصفی، محمد مهدی شمس‌الدین، جعفر المهاجر از نویسندگان اصلی این نشریه‌اند که نشان‌دهنده پایگاه فکری و نوع اندیشه

مناسبات ایران و لبنان در عرصه فرهنگ، پیشینه‌ای دیرین دارد. تاریخ هر دو کشور گویای تعاملات و ارتباطات مختلف نخبگان دو ملت است. اما در دو مقطع تاریخی، یکی در دورهٔ صفویه و مهاجرت علمای جبل عامل به ایران و دوم در عصر انقلاب اسلامی ایران در دورهٔ اخیر، این پیوندها بیشتر بوده است.

در سدهٔ نهم و دهم قمری با روی کار آمدن دولت شیعی صفویه و غلبهٔ فرهنگ شیعی بر ایران و از سوی دیگر حاکمیت عثمانی‌ها بر منطقهٔ شامات و لبنان، زمینه‌ای فراهم شد تا عالمان بزرگی از لبنان همچون علی‌بن عبدالعالی کرکی (۷۰۸ - ۹۴۰ ق) و شیخ بهایی (۹۵۳ - ۱۰۳۰ ق) در ایران حاضر شوند و به عرضهٔ خدمات فرهنگی و رواج تشیع پردازند.^۴ چهار سدهٔ هشتم تا یازدهم قمری، چهاردهم تا هفدهم میلادی عصر شکوفایی علمی در منطقهٔ جبل عامل لبنان محسوب می‌شود^۵ و در این مدت دانشمندان زیادی از آن منطقه به عراق، ایران و نقاطی دیگر روانه شدند. به این علت پیوند فکری و معنوی بین ایرانی‌ها و لبنانی‌ها بیشتر شد. دور دوم اوج‌گیری روابط در عصر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران تحقق یافت. مجله المنطلق یکی از مستندات است که می‌تواند تعاملات دوره دوم را نشان دهد. در حقیقت، این نشریه آینه‌ای است که پیوندهای متفکران ایرانی و لبنانی و دغدغه‌های مشترک آنها را در این دوره نشان می‌دهد.

مجله المنطلق با دو قید فکریهٔ اسلامی در طلیعه پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۹۸ ق) در بیروت و در خانواده مطبوعات تولد یافت و در زمره نخستین مجله‌هایی است که در خارج از ایران در چهارچوب فرهنگ شیعی به دفاع و تحلیل انقلاب اسلامی ایران پرداخته است.

صد و بیست شماره به صورت (دوماه یکبار و سپس به صورت فصلنامه انتشار یافت. این مجله از سوی «الاتحاد اللبناني للطلبة المسلمین»^۶ به مدیر مسئولی عادل الاحمد و مدتی عباس مؤثر و ریاست

آن است.

همسان با جو عمومی انقلاب اسلامی ایران در دهه اول انقلاب و وضع مطبوعات داخلی، این مجله نیز با شور و هیجان انقلابی آن سال‌ها همراه شد، ولی به تدریج به مقوله‌های بنیادی‌تر پرداخت. از این رو می‌توان گفت مانند برخی از نشریات ایران از شور انقلابی به باورهای عقلانی و اندیشه‌های نظری سیر تکاملی داشته است.

صبغة اصلی این مجله، کلام، فقه و سیاست است. هر چند خالی از آثار ادبی، مقالات فلسفی و آثار تاریخی نیست. رویکرد آن به فقه، عمدتاً حقوق عمومی اسلام و فلسفه فقه و جنبه‌های سیاسی فقه آن هم با روش نه صرفاً فقیهانه بلکه روش‌های جدید پژوهش است. همچنین به مفاهیم انتزاعی کلام سنتی کمتر پرداخته و به مباحث کلام جدید در حوزه‌های مختلف آن، بیشتر توجه داشته است.

سطح علمی نشریات در تاریخ حیات انتشار آنها متغیر است. پاره‌ای از آنها در سال‌های نخست دارای سطح عالی و مقبول بوده و به تدریج رکود کرده‌اند؛ دیگر نشریات، از سطح دانی به سطح عالی رسیده‌اند و برخی از نشریات در مراحل مختلف حیات خود همواره سیر یکسان داشته‌اند. مجله المنطلق از این نظر، رشد و بالندگی خوب، اما نه ایده‌آل، داشته است. معیار این ارزیابی چهار شاخص است: حجم مقاله‌ها (کوتاه و بلندی مقاله‌ها)، اجتهادی یا اقتباسی بودن سوژه‌ها، منابع مورد استفاده و توجه به مقوله‌های جدید و مباحث نو در دیگر حوزه‌های فکری جهان اسلام. با در نظر گرفتن این شاخص‌ها، سه دوره متمایز برای این مجله می‌توان ترسیم کرد: در دوره اول، که مشتمل بر پنجاه شماره است، رویکرد تام به انقلاب اسلامی ایران دارد و به تحلیل شالوده‌های نظری این تحول می‌پردازد. چاپ تصاویر مسئولان ایرانی، ارائه تأییدهای تحلیلی از انقلاب اسلامی و بررسی آرای امام خمینی (ره)^۴ در این دوره بارز است. غرب‌ستیزی، جهادگرایی و تأکید بر بنیان‌های پویای اسلامی از دیگر مشخصه‌های مقاله‌های این دوره است.

اما رویکرد مجله در دوره دوم (شماره‌های ۵۰ - ۱۰۰) علمی و تحلیلی‌تر و مقاله‌های آن بنیادی‌تر است. ویژه‌نامه‌های حقوق انسان، رشد و توسعه در اسلام، فرهنگ و اسلام و موضوع‌هایی همچون همگامی اسلام با دگرگونی‌های زمان، جامعه نمونه و کارآمد، رهبری کارآمد، مشارکت مردم در دولت اسلامی، قلمرو اختیارات رهبری، نقش مردم در سیاست، مرجعیت و رهبری و مشروعیت دولت اسلامی نشان‌دهنده این رویکرد است.

در این دوره از محدوده آموزه‌های ایرانی و شیعی فراتر رفته و پنجره‌ای به ذهنیت‌های دیگر در جهان اسلام گشوده است. نام‌هایی مانند رفاعة الطهطاوی، محمد عبده و شکیب ارسلان به میان آمده است. تحلیل‌های مقایسه‌ای و نقادانه - البته در سطح نازل - در مقاله‌های این دوره یافت می‌شود. مقایسه آرای مجتهدان سنت‌گرا و نوگرا و دست‌یابی به تمایزها و اشتراک‌ها و نقد و جست‌وجوی رهیافت‌ها و در نهایت راه‌کارهای نظری در پاره‌ای از مقاله‌های این دوره نمایان است.^۵ دوره سوم مجله با رویکرد به مقوله‌هایی مانند پلورالیسم، دموکراسی

و دین، کارآمدی فقه سیاسی، کارآمدی دین در عصر حاضر، مدرنیسم، نوگرایی و دین، انتظار از دین و چاپ مقاله‌هایی از محمد عماره، راشد الفنوشی، حسن حنفی و مصطفی ملکیان آغاز شد. توجه به فرهنگ اسلامی و حضور آن در جهان معاصر و ضرورت معرفی رهیافت‌های جدید برای کارآمدی این فرهنگ به فرهنگ خودی و طرح راه‌کارهایی برای بارور و فعال کردن این فرهنگ در رقابت با دیگر فرهنگ‌ها انجامید. رهیافت جدید آنان یعنی تغییر فرهنگ به جای تغییر نهادهای سیاسی قبلی، از مسائل ریشه‌ای در مرحله سوم است. چون تغییر فرهنگی بدون تغییر زیرساخت‌های بنیادین فکری آن امکان‌پذیر نیست، به مقوله‌های مزبور توجه شد.

دفاع از اسلام شیعی در جبهه فرهنگی و تبیین اندیشه‌های شیعه انقلابی اساس کار مجله است. «با این همه، ضعف‌های روشی و محتوایی آن را نباید نادیده گرفت. مقاله‌هایی با نگرش تاریخی و بررسی تاریخی فراز و نشیب‌های مقوله‌های دینی، همچنین نگرش جامعه‌شناختی به دین و مذهب کمتر دیده می‌شود. هر چند که شماره‌های متأخر تا اندازه‌ای به این‌گونه مباحث پرداخته است.

مقالاتی با نگاه انتقادی به میراث فرهنگی شیعه، نقد آموزه‌های موجود، مقارنت و مقایسه اندیشه‌های خودی و غیرخودی، پرشمار نیست. نداشتن آشنایی با فرهنگ‌های رقیب دینی و غیردینی و کمبود آگاهی از اقتضائات فکری جهان جدید از جمله ضعف‌های این مجله است.

در زمینه اطلاع‌رسانی فقط به معرفی کتاب، آن هم کتاب‌های خودی، اکتفا شده و جای معرفی یا نقد آثار دیگران خالی است. گویا مسئولان مجله در هم‌اوردهای بین‌المذاهب، بین‌الادیان و بین فرهنگ‌ها کمتر حضور جدی و فعال داشته‌اند و از مصارعه در این صحنه‌ها گریزان بوده‌اند.

از ده شماره دوم، ویژه‌نامه‌هایی نظیر «الحج عبادة» و «حرکت و السیاسة»^۶ به چاپ رسیده که شامل بحث‌های سیاسی است، هر چند هیچ شماره‌ای از آن خالی از موضوعات سیاسی نیست. از این رو شمار مقاله‌های سیاسی و اجتماعی - اسلامی به ویژه در دوره اول بیشتر از مقاله‌های ادبی، فقهی، تاریخی و کلامی است. در شماره‌های متأخر مقوله‌های بنیادی‌تر به میان آمده است. رویکرد حقوقی به مسائل سیاسی در شماره‌های اولیه به رویکرد عقلی و کلامی در شماره‌های متأخر تبدیل شده است. مهم‌ترین رهیافت در رویکرد اول تبیین مقوله ولایت سیاسی است. کسانی مانند سید محمد باقر حکیم در این مقوله قلم زده‌اند.

فهرست برخی از ویژه‌نامه‌های سیاسی این مجله چنین است:
شماره ۵۹: الاجتماع السياسي الاسلامي، معالجات تاسيسية؛ شماره ۶۳: البيرستروبوکا و التحولات في اوربا الشرقية؛ شماره ۱۱۱: مناقشات في الفقه السياسي؛ شماره ۱۱۵: الدين والديمقراطية.

ویژه‌نامه‌هایی که موضوعات جدی‌تر دارند چنین‌اند: شماره ۱۱۶ با عنوان «التأويل و علم النص: ايهامات المعاصرة»، تابستان ۱۹۹۷ م / ۱۴۰۷ ق. ویژه مباحث هرمنوتیک. از مقاله‌های ارزشمند این شماره می‌توان به «النص و التأويل و آفاق حركة الاجتهاد» از سید محمد حسین

لاشکالیات المقاربة بين الدين و الديمقراطية» دارای دو مبحث «میدان عمل الديمقراطية» و «الدين و حق الاختلاف» است. نویسنده در پایان این گونه نتیجه می‌گیرد: «آن لا تعارض بين الديمقراطية والدين، طالمان موضوع الديمقراطية يقع في منطقة الفراغ التي تركها للناس لكي يملؤنها بما يحفظ استمرارهم و يخدم، هذا من جهة و من جهة اخرى تتوافق الديمقراطية باسها و منطلقاتها النظرية - حق الاختلاف و حرية ممارسة هذا الاختلاف - مع مفاهيم القرآن الكريم الذي لم يكتف بالاعتراف بالاختلاف بل اعتبره ملازمة للاجتماع.»^{۱۱}

مقاله چهارم «عقدة الديمقراطية» از عزیز الحمدانی دارای عناوین ذیل است: نظرة الى الواقع، الديمقراطية عندالتاريخ، تعريف الديمقراطية، النظرة الاسلامية للديمقراطية، التجربة الاسلامية، العمل بالشورى و رأى الاعلبيية، الامامه، الحرية السياسية، حق استعمال العنف، اساس الحكم الديمقراطي في الاسلام، الادراك العقلي للانسان، السياسة للمجتمع، بين الاسلام و الليبرالية، حكم الاكثرية، الهيكلية الديمقراطية في الاسلام. خلاصه بحث‌ها، در پایان این گونه جمع‌بندی شده است: الديمقراطية هي اسلوب العمل السياسي و مرادفة لكلمة الشورى و البيعة و حق الناس في الدفاع عن حقوقهم و محاسبة امواتهم و التعبير عن آرائهم السياسية... ان التجربة الاسلامية في الحكم كانت قريبة من الاسلوب الديمقراطي في كافة النواحي. فالاسلام يوافق طريقة الحكم الديمقراطي و يدعو الى نفس تلك المبادئ التي تقرها.

فمبادئ الحرية و العدالة و حفظ حقوق الانسان الطبيعية و حق الناس في المشاركة في الحكم، انعقاد الحكم بالبيعة، الزام الحاكم لمشورة اهل النحل و العقد، فصل السلطات و عدم احتكار الحكم بيد واحد.

مقاله پنجم با عنوان «تعليم الدين ام تعليم عن الدين؟ الاسئلة الصعبة في مجتمع متعدد» از طلال عتریسی، به کارکرد اجتماعی و روانی آموزش‌های دینی یا نهادهای آموزشی دینی پرداخته است. تسامح و تساهل در جامعه، میان مذاهب مختلف و دینداران و سکولارها، منوط به آموزه‌هایی است که در فرآیندهای آموزشی اکتساب شده است. نویسنده بر آن است تا مشکلات مربوط به آن را بیان و تحلیل کند. مهم‌ترین نکته‌های این مقاله به مناسبات سیاست و به طور خاص دولت و تعلیمات دینی، با بازتاب‌های آن در جامعه متعدد چندقطبی بازمی‌گردد.

مقاله ششم با عنوان «کتابة و تعليم تاريخ لبنان: من المجال العقيم الى الاعمال النموذجية» از آنطون مرة به دیدگاه‌های مختلف در تاریخ‌نگاری و آموزش تاریخ به ویژه تاریخ سیاسی لبنان پرداخته است. مقاله هفتم با نام «التربية و مهام النهوض الوطني» نوشته علی عبد فتونی استاد دانشکده ادبیات دانشگاه لبنان، که به بررسی نظام تعلیم و تربیت، ابعاد و کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن؛ همچنین مناسبات نظام تعلیم و تربیت با نظام سیاسی و تأثیر آن بر اقصاء مختلف اجتماعی و جمعیت‌های مختلف فرهنگی می‌پردازد.

مقاله هشتم، «قیامة الايدولوجيا» از محمود حیدر از نگاه فلسفه‌های غربی و از موضع شناخت‌شناسی به تحلیل ایدئولوژی، به سرآمدن دوره ایدئولوژی‌گرایی، نقش ایدئولوژی در ساختار نظام حاکمیت و نظام

فضل الله «قراءة في فلسفة التأويل عند ابن عربي»، از نصر حامد ابوزید و مصاحبه با استاد مصطفی ملکیان، از متفکران برجسته ایرانی، با عنوان «فلسفة الدين في المجال الفكري المعاصر» اشاره کرد. همچنین دو مقاله با دیدگاه سیاسی «الحریات في لبنان» از انطون سیف و «الحرية و اشکالیات التحرر» از کریم بقرادونی در این شماره به چاپ رسیده است. شماره ۱۱۵، بهار - تابستان ۱۹۹۶ م / ۱۴۱۷ ق، ویژه «الدين و الديمقراطية»، شامل یک سرمقاله، سیزده مقاله و یک مصاحبه است.

سرمقاله حسن جابر با عنوان «التعليم الخاص و المجتمع السياسي التعددی» به آموزش برنامه‌ریزی شده در جوامعی با فرهنگ‌ها و سیاست‌های متعدد پرداخته است؛ در جوامعی که یکپارچگی ملی، فرهنگی و اعتقادی وجود ندارد و تنوع قومی و فرهنگی دیده می‌شود، هر جمعیت براساس شرایط ملی و فرهنگی خود خواهان نوعی آموزش است. در این مقاله، وظیفه دولت بر برنامه‌ریزی آموزشی و بازتاب‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی آن از یک سو و آموزه‌های دینی در این باب از سوی دیگر بررسی شده است. اینکه تعلیم و تربیت دین‌خواهان کنترل شده است و دموکراسی حداقل در برخی موارد این کنترل را نمی‌پذیرد و وجوه اشتراک و افتراق آن دو جان مایه این مقاله است.

اولین مقاله با عنوان «حول الدين و حق الاختلاف» از السيد محمد حسن الامین است. نسبت دین (مسیحیت و اسلام) و بلورالپسم (در مسئله حق اختلاف) جوهره این مقاله است. تعدد و گوناگونی در جوامع انسانی واقعیتی انکارناپذیر است ولی آیا دین همه تکرار را مشروع می‌داند یا نه؟ آیا دین وحدت‌گرایی را القا کرده است؟ وجوه اختلاف و اشتراک اسلام و مسیحیت چیست؟ آیا دین پاره‌ای از عرصه‌ها را به بشر واتهاده و اختلافات در این عرصه‌ها متصور است؟ و بالاخره راه‌حل کلامی برای جمع دینداری و منظور نمودن تعددها چیست؟ اینها پرسش‌هایی است که نویسنده درصدد پاسخ‌گویی به آنهاست. در پایان مقاله، نویسنده به رهیافت مهمی دست یافته است: اذا كانت الشريعة شأنًا الهيئًا فهذا لا یعنی ان السلطنة الناشئة عن الشريعة هي الاخرى شأن الهي فلا بد من التمييز بين الشريعة و فهم الشريعة. فالشريعة شأن الهي اما الفقه ای الفهم و التفسير فهو شأن بشري و الشريعة واحدة و اما الفقه فهو متعدد و متغير. اذن نسبی و ناقص... بعد هذا يظهر الفرق بين سلطة المشرع (الله) و سلطة الفقيه (البشر). و للاولى مطلقة و تتضمن عنصر الالزام بذاتها و الثانية نسبية و عنصر الالزام فيها ليس ذاتياً و شرعيتها ليست مستمدة من الله تعالى بل هي شرعية منزللة تتوقف على الاستمرار او عدم استمرار العقد الاجتماعي بين الفقيه و المجتمع. الاولى ليست موضوعاً للاختلاف و المعارضه و الثانية بشرية تقبل الاختلاف و المعارضة»^{۱۲}

مقاله دوم «في الديمقراطية و حق الاختلاف»، نوشته عبد الاله بلقریز از دانشمندان مغرب است. وی به روش فلسفه سیاسی به جوامع و دولت‌های دمکراتیک و چگونگی برخورد آنها با تعدد و اختلاف‌ها پرداخته است. نویسنده حق اختلاف را مقوم هر نظام دمکراتیک و دموکراسی را بدون حق اختلاف، بی‌مفهوم می‌داند.

مقاله سوم از حسن جابر با عنوان «الدين و حق الاختلاف معالجة

اجتماعی و رابطه آن با بنیان‌های دموکراسی پرداخته است.

مقاله نهم از دکتر حسن جابر با عنوان «الاجتهاد المعاصر و نظریة المقاصد»، کلیاتی است در زمینه روش‌شناسی استنباط در اسلام به ویژه در حقوق اسلامی و این که تا چه اندازه اجتهاد موجود پاسخگوی این زمان است و برای تکمیل منطق اجتهاد باید به توابتی فراتر از مفروضات یک مذهب دست یافت به طوری که با امهات خود دین سازگار باشد.

مقاله دهم با نام «غرناطة و القوى الاسلامیة» از ابراهیم بیضون، استاد تاریخ در دانشگاه لبنان، به عملکردهای دولت اسلامی در این بخش از اروپا پرداخته است.

مقاله یازدهم با نام «تطور منهج البحث الاصولی عند السيد الصدر» نوشته دکتر علی التیمی است که به روش و آرا و کتاب‌های سید محمد باقر صدر در اصول فقه می‌پردازد. اصول فقه، به عنوان روش و منطق فقه و استنباط حقوق، دستگاهی است که در تأسیس و تلاوم حقوق عمومی نیز تأثیر دارد.

مقاله دوازدهم با عنوان «نظام سیاسی اسلام و نظام شاهنشاهی، از محمد فقیه، به بررسی نظام شاهنشاهی در تاریخ سیاسی اسلام و آرای متفکران در زمینه مشروعیت این نوع نظام سیاسی پرداخته است. نویسنده در ضمن به مناسبات روشنفکران و قشرهای فرهنگی با این نظام، عمده‌ترین نظام‌های شاهنشاهی در ادوار مختلف تاریخ اسلام و بالاخره تحلیل و نقد ملاک‌های مقبول و مشروع آن نظام‌ها می‌پردازد.

مقاله سیزدهم ترجمه فصل چهارم از کتاب Critique de la modernite نوشته آلن تورن به فرانسه است.^{۲۰} عقیل الشیخ حسین، این مقاله را با عنوان «نقد الحداثة: المثقفون یجابهون الحداثة» ترجمه کرده است. مترجم آرای نویسنده را در پانوشت‌ها نقد و تحلیل کرده است.

نویسنده به تحلیل دیدگاه‌های متفکران غرب مانند هورکهایمر و میشل فوکو در زمینه مدرنیسم و کاربرد روشنفکری در ساختارهای مدرنیته و تأثیر این فرآیند در سیاست می‌پردازد.

مصاحبه با آقای محمد خاتمی، (ص ۸۱ - ۹۶). در این شماره مصاحبه‌ای با عنوان «الدين الديمقراطية: اسئلة الواقع فی الدولة الدينية» که در زمان ریاست آقای خاتمی بر کتابخانه ملی ایران انجام یافته، به چاپ رسیده است. در این مصاحبه از نظریات ایشان درباره ویژگی‌های دولت اسلامی، رابطه دین و دولت، مصدر مشروعیت دولت، آزادی انتخاب سیاسی، بحران دموکراسی، تمایز نظام سیاسی اسلام و نظام‌های سیاسی دموکراتیک، جایگاه تابعان مذاهب و ادیان دیگر در دولت اسلامی پرس و جو شده است.

شماره ۱۱۷، زمستان ۱۹۹۷ م/ ۱۴۱۷ ق، ویژه «تأویل و علم نص در دوره جدید». در این شماره مقاله‌ای از مصطفی ملکیان، متفکر ایرانی با عنوان «فلسفه دین در مجادله‌های فکری معاصر» منتشر شده است.^{۲۱}

شماره ۱۱۹ ویژه تجدید علم الکلام است و مقالات مهم آن چنین است: «تحلیل مفهوم تجدد در کلام جدید» از احد فرامرز قراملکی؛ «فلسفه دین و کلام جدید» از محمدرضا کاشفی؛ «درآمدی بر مبادی کلام جدید» از همایون همتی؛ و «متکلمان غربی معاصر» از احمد نراقی. همه

نویسندگان این شماره ایرانی‌اند.

گویا آخرین شماره مجله در بهار و تابستان ۱۹۹۸ م/ ۱۴۱۹ ق (شماره ۱۲۰) منتشر شده است. عنوان کلی این شماره «معالجات فی الثابت و المتغیر: النص و الاجتهاد و الزمن» است و به بررسی راه کار و دیدگاه‌های مربوط به نحوه پیوند و تعامل ثابتات دین با متغیرات آن می‌پردازد. در این شماره چند مقاله مهم به چشم می‌خورد: «قرآن و زمان» از سید محمد حسین فضل‌الله؛ «تاریخیت و فقدان تاریخ‌گرایی در نصوص دینی» از حسن جابر؛ «تفاوت‌های نص قرآنی و نص نبوی و نص بشری» از سید محمد حسن امین؛ و «تجدید علم کلام» از حسن حنفی. در خاتمه باید یادآور شد که نقد و بررسی این مجله مجال دیگری می‌طلبد.

مجله المنطلق، در پی بالا گرفتن اختلافات مدیریت، به ویژه حسن جابر رئیس تحریریه، با حزب‌الله که پشتیبان این نشریه بود، تعطیل شد. پس از دو سال حسن جابر مستقلاً اقدام به نشر المنطلق تجدید نمود. نخستین شماره این نشریه در پاییز ۲۰۰۰ م، منتشر شد. مدیران اصلی آن به جز حسن جابر، زینب شویبا، سلمی مرشاق و علی سموراند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نگاه کنید به الهجرة العاملیة الی ایران فی العسر الصوفی، جعفر المهاجر، بیروت، دارالروضة، ۱۹۸۹ م؛ مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، مهدی فرهنگی منفرد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۲. الحركة الفکرية والادبية فی جبل عامل، محمد کاظم مکی، بیروت، دار الاندلس، ۱۹۸۲ م، ص ۶۸ - ۶۹.
۳. اتحادیة دانشجویان مسلمان لبنان.
۴. نگاه کنید به: شماره ۲۸ این مجله، مقاله طریق الصحوة الاسلامیة، نیز شماره ۵۸ ویژه «ألنهضة اشکالیة فی التسمية».
۵. برای نمونه نگاه کنید به: مقالات شماره ۲۸ همین مجله.
۶. نگاه کنید به مقاله «اسلامیة وطنیة» در شماره ۲۸ و مقاله «جمال‌الدین الافغانی و مسألة الوحدة الاسلامیة» در شماره ۵۸.
۷. برای تقسیم‌بندی مطبوعات نگاه کنید به قدرت‌های جهان مطبوعات، مارتین واکر، ترجمه م. قائد، ص ۲.
۸. برای نمونه نگاه کنید به: شماره ۵ و شماره ۱۶؛ همچنین نگاه کنید به: مقاله «اطالة علی عالمیة الثورة الاسلامیة» از محمد جعفر شمس‌الدین، شماره ۲۱.
۹. برای نمونه نگاه کنید به: شماره ۵۸.
۱۰. نگاه کنید به سرمقاله شماره ۳۵.
۱۱. المنطلق، شماره ۱۶، ذوالقعدة ۱۴۰۱.
۱۲. المنطلق، شماره ۱۵، ص ۱۶، ۱۸.
۱۳. همان، ص ۳۳.
۱۴. این کتاب از سوی مرتضی مردهبا با عنوان نقد مدرنیته به فارسی ترجمه و منتشر شده است.
۱۵. المنطلق، ش ۱۱۷، ص ۴۵ - ۵۴.